



Socio-Political Participation of Women in the Islamic World: An Emphasis on Quranic Verses

Shahnaz Pournaseri¹

Nouraldin Parvin²

1. Ph.D. Student in Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Qom
poor657@gmail.com

2. Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Islamic Sciences University of Mahallat
norudin.parvin@yahoo.com

DOI: 10.22034/iscw.2023.713113

Orgina Research

Received:

2023-01-28

Accepted:

2023-04-31

Keywords:

Socio-Political Participation,
Women,
Islamic World,
Prophethood,
Imamate,
Occultation.

Abstract: This study delves into the examination of women's socio-political participation in the Islamic world. It aims to explore the historical context of women's position in other Abrahamic religions, including the teachings of Judaism and Christianity, and subsequently analyze their socio-political participation within the framework of the Quran, the primary source of knowledge for Muslims and the Islamic world. It appears that the fluctuations in Muslim women's political participation are intertwined with the historical and political developments of the Islamic world. In this regard, by focusing on the political transformations of the Islamic world, we can evaluate and analyze women's socio-political participation in the three eras of prophethood, imamate, and occultation. To achieve this objective, a descriptive-analytical approach is employed. The findings of this research reveal that, with the exception of the periods of prophethood, imamate, and the Islamic Revolution, in other historical periods, women have only been able to participate socio-politically from within the confines of the court and the ruling elite, and rarely have instances been observed from within the broader society. Following this, the article will endeavor to evaluate and analyze the socio-political participation of Muslim women in the three axes of prophethood, imamate, and occultation, after a brief introduction to the fundamental concepts of socio-political participation.

مشارکت اجتماعی - سیاسی زنان در جهان اسلام با تاکید بر آیات قرآنی

نورالدین پروین^۲

شهناز پورناصری^۱

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی قم poor657@gmail.com

۲. نورالدین پروین، استادیار زبان و ادبیات عرب دانشگاه علوم اسلامی محلاتی

norudin.parvin@yahoo.com

DOI: 10.22034/iscw.2023.713411

چکیده: در این نوشتار کوشش شده است به بررسی مشارکت اجتماعی - سیاسی زنان در جهان اسلام پرداخته شود. از این حیث تلاش شده است تا ضمن نگاهی به سابقه جایگاه زنان در دیگر ادیان آسمانی پیش از اسلام همچون آموزها و تعالیم دین یهود و مسیحیت به بررسی جایگاه مشارکت اجتماعی - سیاسی زنان در قرآن کریم به عنوان مهمترین منبع معرفتی مسلمانان و جهان اسلام پرداخته شود. به نظر می رسد فراز و فرود مشارکت سیاسی زنان مسلمان در پیوند با تحولات تاریخی - سیاسی جهان اسلام قرار دارد به این منظور با محوریت قرار دادن دگرگونی های سیاسی جهان اسلام می توان به ارزیابی و تحلیل مشارکت اجتماعی - سیاسی زنان در سه عصر نبوت، امامت و غیبت پرداخت و برای رسیدن به این موضوع از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده و نتایج حاصله از این تحقیق نشان می دهد که بغیر از دوره های نبوت، امامت و انقلاب اسلامی در سایر دوره های تاریخی زنان صرفا از درون دربار و هیات حاکمه قدرت توانسته اند مشارکت سیاسی - اجتماعی داشته باشند و از درون بطن جامعه بندرت موردی مشاهده شده است. پیرو همین امر در مقاله تلاش خواهد شد تا طی آشنایی مختصر با مبانی مفهوم مشارکت اجتماعی - سیاسی به ارزیابی و تحلیل مشارکت اجتماعی - سیاسی زنان مسلمان در سه محور نبوت، امامت و غیبت پرداخته شود.

صص:

۸۴-۶۵

نوع مقاله:

علمی پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۲/۱۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۵/۲۲

کلید واژه ها:

مشارکت اجتماعی -

سیاسی،

زنان،

جهان اسلام،

نبوت،

امامت،

غیبت

مقدمه

مباحث مشارکت اجتماعی - سیاسی زنان از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و پژوهشگران علاقمند به موضوع و مسائل حضور زنان در اجتماع بوده است و اکنون در دنیای معاصر بخاطر تنوع مکاتب دینی و غیردینی جدید شدت علاقه به تحقیق در امور زنان بیشتر شده است. برای رسیدن به این امر نیاز به داشتن پیشینه بحث مشارکت زنان، در گذشته، نقش دین، تاثیر حوادث مهم تاریخی و اجتماعی زنان در جوامع اسلامی است. البته در این نوشتار منظور ما از جهان اسلام بعد از دوران نبوت، خلافت بنی امیه و خلافت بنی عباس، آن قسمت از جهان اسلام است که فرهنگ نبوت و امامت را حفظ کرده است، می باشد و به تبع ما بخش ایران را مورد مطالعه قرار داده ایم بویژه انقلاب اسلامی ایران چون ادعایش این است که یکی از اهداف مهم اش بازشناسی، بازسازی و بازخوانی دوره نبوت و امامت براساس مقتضیات دوره معاصر است. مهمترین بحث این تحقیق نشان دادن رشد و توسعه کمی و کیفی مشارکت اجتماعی - سیاسی زنان در عرصه های زندگی اجتماعی - سیاسی در ادوار مختلف جوامع اسلامی است.

مفهوم شناسی

مشارکت از لحاظ لغوی، به معنای شرکت داشتن یا درگیر بودن است. به طور کلی؛ مفهوم مشارکت مفهوم جدیدی نیست و در طول تاریخ بشر به نوعی هر جامعه ای به این مسئله توجه داشته است. اما امروزه این موضوع از ملزومات یک جامعه جهت تکامل و دموکراسی می باشد. می توان گفت مشارکت تعهدی فعالانه، آگاهانه، آزادانه و مستدلانه می باشد که در جهت معنی دادن به عمل و حرکت اجتماعی می باشد و با شرکت دادن اشخاص در فعالیت های گروهی تحقق می یابد. (خاکسار، ۱۳۸۰: ۱۴).

مشارکت را بر حسب سطح (خرد، میانه، کلان)، انواع؛ انگیزه های ایجادی آن (درون زا، برون زا)، چگونگی دخالت مردم (مستقیم، غیر مستقیم)، سطوح فراگیری (محلی، منطقه ای، ملی)، کیفیت همکاری مردم (طبیعی، خود انگیزه، داوطلبانه، برانگیزه، تحمیلی یا اجباری)، سطوح اجرایی و محتوای عملکردی (بهره مندی خدمات، ارزیابی خدمات، ارائه پیشنهاد، تصمیم گیری و برنامه ریزی، اجرا، نظارت) موضوع و قلمرو اجرائی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی) می توان تقسیم کرد (طالب زاده، ۱۳۷۰: ۵۴).

در این میان ارتباط مستقیم مشارکت اجتماعی - سیاسی با مفاهیمی همچون دموکراسی منجر شده تا این سطح از مشارکت محور توجه بسیاری از صاحب نظران و اندیشمندان قرار گیرد؛ مشارکت اجتماعی - سیاسی امروزه به عنوان یکی از مهمترین مولفه های مشروعیت هر نظام سیاسی محسوب می شود باین حال این نوع از فعالیت های اجتماعی نیز همچون مفهوم مشارکت مفهوم جدیدی نیست بلکه میتوان سابقه و پیشینه آن را در جوامع متعدد مورد بررسی قرار داد. شمولیت مشارکت اجتماعی - سیاسی در میان تمام اقشار جامعه در حدی است که می توان جدا از تفکیک جنسی میان مردان و زنان آن را در رده های متعددی سنی همچون جوانان و بزرگسالان نیز مورد کنکاش قرار داد تاکید پژوهش حاضر بر جامعه اسلامی از یک سو و زنان از سوی دیگر منجر می گردد تا در این مقاله به مشارکت سیاسی زنان در جامعه اسلامی محور پژوهش قرار گیرد.

مشارکت سیاسی زنان در ادیان الهی (یهود، مسیحیت، اسلام):

تمامی ادیان الهی از انجایی که ریشه در وحی و کلام ربانی دارند همگی در مسیر تعالی و رشد انسان قرار دارند باین حال به رغم این حقیقت برخی از ادیان آسمانی را می توان همچون یهود و مسیحیت مشاهده نمود که به مرور ایام و لیالی و متاثر از منافع برخی صاحبان قدرت و نفوذ در طول تاریخ در بسیاری از جنبه ها مورد تحریف واقع می شوند. نگاهی به جایگاه و مقام زن نیز در تورات و انجیل می تواند بخشی از این امر مسلم را نشان دهد.

تصویر حوا به منزله اغوا کننده آدم در تورات و انجیل تاثیر بسیار منفی بر جایگاه زنان در سراسر آیین یهود - مسیحیت گذاشته است. در کتاب مقدس یهودیان حوا عامل گناه اولیه و مسئول خروج وی از بهشت شناخته می شود از این رو مردان یهود در دعا های صبحگاهی از خداوند تشکر می کنند که آنها را زن نیافریده است.

در نگاه مسیحیان و کتاب تورات نیز گناه اولیه آدم سبب شد تا این گناه در گوهر تمام انسانها سرشته شود در نگاه کشیشیان و عالمان دینی مسیحیت زن همان "حوا" مجسم شده در همه جابود که ادم را از بهشت برین محروم ساخت و وسیله مطلوب در دست شیطان برای اغوای مردان و فرستان آنها به دوزخ بود.

در مقابل همین تعبیر و تفاسیر انحرافی در دین یهود و مسیحیت اسلام و قران کریم به دفاع از مقام زن پرداختند و در اکثر آیات شیطان عامل گمراهی ادم و حوا شناخته شد و نقش شیطان

در فریب آدم و حوا به طور یکسان و برابر مطرح می‌کند (نصیری، ۱۳۹۴: ۶۲-۳۹). توضیح مفصل این مطلب را می‌توان در آیات سوره های بقره، اعراف و طه مشاهده نمود

وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ.

"و گفتیم: ای آدم، خود و زنت در بهشت جای گیرید و هر چه خواهید و هر جا که خواهید، از ثمرات آن به خوشی بخورید و به این درخت نزدیک مشوید که به زمره ستمکاران درآید. پس شیطان آن دو را به خطا واداشت و از بهشتی که در آن بودند بیرون راند. گفتیم: پایین روید، برخی دشمن برخی دیگر و قرارگاه و جای برخورداری شما تا روز قیامت در زمین باشد" (قران کریم، سوره بقره: آیات ۳۶-۳۵).

دگرگونی و پشتیبانی از زنان در دین مبین اسلام تنها مربوط به احیای ارزش و جایگاه زنان نیست بلکه آن را در سایر جوانب همچون حضور زنان در اجتماع و سیاست نیز می‌توان مشاهده نمود. عنایت به برخی از آیات قران کریم خود علی‌رغم وجود دیدگاههای متعدد از سوی مفسرین می‌تواند تاییدیه ای برای این گفتار باشد. آیات قران کریم پیرامون مشارکت زنان در اجتماع و بخصوص عرصه ی اجتماعی - سیاسی را در راس هرم قدرت و قاعده هرم می‌توان دنبال نمود این نوع از مشارکت را می‌توان در چند محور خلافت انسان در زمین، داستان ملکه سبا، بیعت زنان با پیامبر اکرم، مهاجرت زنان در صدر اسلام، حضور زنان در مباحثه، امر به معروف و نهی از منکر و... ارزیابی نمود که در ادامه به توضیح برخی از این مصادیق پرداخته خواهد شد (شریفی، ۱۳۹۴: ۹۷-۹۳).

خداوند، پروردگار همه زمین و همه خیرات آن است، انسان به عنوان اشرف مخلوقات، جانشین خدا در همه این امور است. خلافت انسان در قرآن، در حقیقت شالوده حکومت انسان بر هستی است و حکومت بر مردم، از ریشه همان خلافت سرچشمه می‌گیرد. حکومت انسان بر خودش هم، بر این پایه درست می‌شود، چنان که حکومت مردم بر مردم، یعنی «حق حاکمیت ملی» نیز به عنوان خلیفه الله می‌تواند مشروع و قانونی باشد. قران کریم پیرامون خلافت انسان در آیه ۳۰ سوره بقره عنوان می‌کند که:

«وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»

«و هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: همانا من در روی زمین جانشینی قرار خواهم داد. گفتند: آیا در آن کسی را قرار می دهی که فساد می انگیزد و خون ها می ریزد؟! در حالی که ما تو را با توصیف به کمالات تسبیح می گوئیم و تقدیس می کنیم. خدا گفت: بی تردید من چیزی می دانم که شما نمی دانید».

در باره مصداق خلیفه وجانشین خداوند بر زمین دیدگاه های گوناگونی وجود دارد با این حال بسیاری از مفسران بر این نظر هستند که انسان یعنی حضرت آدم و فرزندانش خلیفه خداوند هستند و از این رو برای خلافت مرز بندی جنسی در نظر گرفته نشده است.

در کنار مفهوم خلافت یکی از مصادیقی که قرآن کریم به عنوان نمونه ای شایسته از مشارکت اجتماعی - سیاسی زنان در راس هرم قدرت مطرح می نماید بلقیس ملکه شهر سبا پایتخت یمن است. آیات مربوط به داستان ملکه سبا در سوره نمل آیه ۲۳ تا ۴۴ مطرح شده است. در این آیات، خداوند از زن هوشمند و با درایتی سخن می گوید که بر سرزمین سبا حکومت می کند و با دعوت حضرت سلیمان از کیش شرک به دین توحید رو می آورد.

در آیه ۱۲ سوره ممتحنه آمده دلیل دیگری است بر نگاه مثبت قرآن به مشارکت اجتماعی - سیاسی زنان عنوان شده است در این آیه آمده است:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَيَّ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأُزْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (قرآن کریم، سوره ممتحنه: آیه ۱۲).

ای پیامبر، هرگاه زنان مؤمن نزد تو آیند که با تو بیعت کنند بر این شرط که چیزی را با خدا شریک ندانند و دزدی و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و دروغی را که در دست و بال خود ساخته و پرداخته باشند پیش نیارند و در هیچ کار پسندیده ای نافرمانی نکنند، پس با آنها بیعت کن و برای ایشان از خدا آمرزش بخواه که خدا آمرزنده و مهربان است.

نکته مهم در این آیه این است که از آنجا که بیعت در فرهنگ اعراب زمان نزول قرآن به معنای پیمان وفاداری به کسی و اعلام اطاعت و فرمان برداری از او بوده است، همانند انتخاب در فرهنگ سیاسی امروز که زمینه مشروعیت سیاسی حکومت و فرمانبری مردم از آن را فراهم می کند، بنابراین آیه کریمه به صراحت، سهم داشتن زنان را در امری که نقش تعیین کننده در سرنوشت سیاسی جامعه و رابطه دوسویه فرماندهی و فرمانبری حکومت و مردم دارد، تأیید می کند (حسینی

۱۳۸۰: ۱۸۱-۱۷۰). مشارکت اجتماعی - سیاسی زنان مسلمان تنها به آیات قرآنی محدود نمی گردد از این رو جلوه های متعددی از این نوع از حضور را در طول تاریخ اسلام از زمان بعثت تا عصر فعلی را می توان مشاهده نمود که در ادامه با تفسیر بیشتری مورد آریابی قرار داده می شود.

مشارکت اجتماعی - سیاسی زنان در عصر نبوت

زنان مسلمان با پذیرش دین اسلام و نبوت و رهبری رسول خدا اطاعت آن حضرت را گردن نهاده و در فرمایشات و حرکت های سیاسی آن حضرت با همراهی یا عدم همراهی مشارکت یا مخالفت خود را ابراز داشتند. زنان در صدر اسلام در کنار مردان سختی های طاقت فرسای را تحمل کردند و در راه دین و دفاع از ارزش های توحیدی تلاش ورزیدند و حتی در این راستا جان خود را قربانی نمودند؛ از جمله ی این زنان نامدار، حضرت خدیجه، همسر رسول خدا(ص) بود که در آغازین روزهای ظهور اسلام مسلمان شد و در روزگاری که اسلام هیچ گاه و پایگاهی نداشت، نخستین کسی بود که نور اسلام را به دل خویش راه داد.

سمیه، مادر عمار و همسر یاسر از نخستین مسلمانان تاریخ بود که همراه با فرزند و همسر خود زیر آفتاب سوزان مکه توسط کفار مورد شکنجه قرار گرفت، تا از اسلام برگردند و در این راه به شهادت رسیدند

از نمونه های دیگر که نقش اجتماعی - سیاسی زنان را در عصر نبوی را می توان به وسیله ی آن به اثبات می رساند، حمایت و تقویت حکومت اسلامی توسط زنان بود. زنان مسلمان در قالب های مختلف به پشتیبانی معنوی و مادی نظام اسلامی و تشکیلات مدیریتی آن پرداختند. هرگاه حکومت اسلامی نیازمند کمک و حمایت بود، رسول الله(ص) مسأله را با مردم در میان می گذاشت، زنان هم چون مردان امر رسول الله(ص) را اطاعت کرده و به یاری او می شتافتند(ابن اثیر، بی تا: ۴۸۱-۴۳۴).

در کنار حضور و بیعت رسول گرامی اسلام با بانوان مسلمان که در مباحث گذشته به آن اشاره شد می توان به حاضر آمدن زنان در فرایند هجرت از مکه به سایر نقاط همچون حبشه و دینه اشاره نمود. در هجرت به حبشه که کاملاً مخفیانه صورت گرفت، حدود ۸۳ مرد و ۱۸ زن حضور داشتند که گاه به طور جمعی و گاه تنها به سوی حبشه حرکت می کردند. ام سلمه، ام کلثوم و سهله دختران سهیل بن عمرو، رقیه دختر رسول خدا، لیلی دختر ابوحثمه، سوده دختر زمعه، فاطمه دختر صفوان بن امیه، امینه دختر خلف بن اسعد، ام حبیبه دختر ابوسفیان، برکه دختر یسار، حسنه همسر سفیان بن معمر، رمله دختر ابوعوف سهمی، فاطمه دختر حارث بن خالد،

فاطمه دختر مجلل، فکهیبه دختر یسار، حفصه دختر عمر، لیلی دختر ابو حثمة بن غانم، عمره دختر سعدی بن وقدان از جمله زنانی بودند که در این هجرت حضور دارند.

حضور زنان مسلمان تنها منوط به هجرت به حبشه نیست بلکه در جریان هجرت به مدینه نیز جمعی از بانوان حضور دارند که تمام اموال و دارایی خود را بی آنکه بدانند آیا هیچ گاه دیگر به آنان باز خواهد گشت در مکه بر جای گذاشتند و راه خود را در بیابانی خشک و سوزان به مسافت حدود ۴۷۰ کیلومتر آغاز کردند یکی از پررنج ترین این سفرها، هجرت فاطمه بنت اسد می باشد. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: بدرستی که فاطمه بنت اسد مادر حضرت علی علیه السلام، اولین زنی بود که به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله، پیاده از مکه به مدینه، هجرت نمود (آیت الهی، ۱۳۸۸: ۱۲).

شاید تصور شود زنان مسلمان به سبب تبعیت از شوهران خود مجبور به هجرت بوده‌اند. این تصور به دو دلیل باطل است: اول، اینکه وقتی هجرت زنان از سوی قرآن تمجید شده و ارزشمند به حساب می‌آید، به این نکته دلالت دارد که اختیار زنان در انتخاب این راه تأثیر داشته است، دوم: اینکه زنان متعددی بدون همراهی، بلکه به رغم مخالفت پدر یا شوهرشان هجرت کرده‌اند. در این باره می‌توان از سبیه بنت حارث، ام الحکم بنت ابی سفیان نام برد (واعظی، ۱۳۸۹: ۱۴۹).

زنان صحابی پیامبر در امر ساختن مسجد مدینه به عنوان پایگاه فعالیت دینی - سیاسی حضرت رسول اکرم نیز حضور دارند مطابق با بسیاری از منابع زنان در حمل سنگ های بنای مسجد شبانه به فعالیت می پرداختند و این امر در عصری که به واسطه ی جهالت زنان مورد تمسخر قرار می گرفتند و از فعالیت در اجتماع منع می شدند نشان می دهد که اسلام با در نظر گرفتن جداسازی مکان مشارکت زنان از مردان و حفظ حجاب اسلامی پیشتاز مشارکت و حضور زنان بوده است (غروی نایینی، ۱۳۸۸: ۱۴).

یکی دیگر از جلوه‌های مشارکت اجتماعی - سیاسی زنان صدر اسلام شرکت در جنگ است. در اسلام جهاد بر زنان واجب نیست. مطابق با شواهد موجود زنان در عصر نبوت در جهاد های نظامی نیز حضور داشته اند گرچه این حضور بیشتر به صورت پشتیبانی و تدارکات دیده می شود اما بینات به خوبی نشان می دهد که پیامبر حضور زنان را در این عرصه مباح دانسته اند با این حال باید این دقیقه را نیز در نظر دانست که در عرصه های نظامی زنان حضور کمتری نسبت به مردان

دارند زیرا نمود در این عرصه منوط به داشتن توانایی جسمانی بالاست که زنان از لحاظ جسمانی رتبه پایین تر از مردان جای دارند (جلالی کندی، ۱۳۸۲: ۱۹).

به رغم عدم وجوب جهاد بر زنان، حضور آنان در بیشتر جنگ‌های صدر اسلام گزارش شده است، از جمله در جنگ‌های احد، خیبر، بنی قریظه، فتح مکه و حنین است. یکی از ابعاد مشارکت زنان صدر اسلام در میادین جنگ، فعالیت‌های تبلیغی بود. زنان با سرودن اشعار حماسی، روحیه رزم را در رزمندگان تقویت می‌کردند.

بعد دیگر از مشارکت زنان در میادین جنگ که گزارش‌های تاریخی پرشمار بر آن دلالت می‌کند، فعالیت‌های پشتیبانی و تلاش پشت جبهه زنان است. فعالیت‌هایی چون آب‌رسانی و سیراب کردن، آماده‌سازی غذا، دوختن مشک‌ها، طبابت، پرستاری و رسیدگی به مجروحان، حفاظت از وسایل رزمندگان، تجهیز و آماده‌سازی اسلحه و... است (واعظی، ۱۳۸۹: ۱۵۰).

مشارکت اجتماعی - سیاسی زنان را می‌توان بعد از ارتحال نبی مکرم اسلام در جامعه اسلامی نیز دنبال نمود با این همه موضوع مشارکت اجتماعی - سیاسی زنان نیز مانند سایر موضوعات اجتماعی دیگر، پس از رحلت رسول خدا (ص) و روی کار آمدن دولت‌های ناشایست اسلامی مسیر انحراف را طی کرد و از آموزه‌های نبوی فاصله گرفت. امری که با تفضیل بیشتر در مطالب آتی دنبال می‌گردد.

مشارکت اجتماعی - سیاسی زنان در عصر خلفای اسلامی:

خلافت امویان و مشارکت زنان:

بطور کلی باید گفت این دوره از ظالمین و مستبدین حکمرانی مقاطع اسلامی تلقی می‌شود و براساس برخی از آیات قرآن چون ظالمین به مردم ستم می‌کنند (حق مشارکت مردان و زنان را پایمال می‌کنند) جایگاه بدی در انتظار آنان است. آیه ۴۲ سوره شوری می‌فرماید: *إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ*؛ همانا نكوهش فقط بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و در زمین به ناحق طغیان می‌کنند، آنانند که برایشان عذاب دردناکی است. براین اساس مردان و زنان آزاده جایگاهی در جامعه بنی امیه نداشتند و در یک نگاه گذرا می‌توان گفت ویژگی‌های دوران خلافت امویان، شامل بنا نهادن حکومت بر پایه خشم و ظلم، پای بند نبودن به دستورات دینی، حکومت اشراف و سران قبایل عرب بر ولایات، برتر دانستن قوم عرب بر سایر اقوام و تحقیر اقوام غیر عرب می‌باشد. در چنین حکومتی انتظار مشارکت داشتن زنان در جامعه غیر ممکن بود.

خلافت عباسی و مشارکت زنان:

در این دوره نیز حاکمان مستبد و مجرم بودند. بنابراین مشارکت و کمکی به مجرمین و ظالمین نباید کرد و بقول حضرت موسی (ع) "زَبَّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ" آیه ۱۷ سوره قصص، ولی بنی عباس نسبت به دوره بنی امیه بقدر ناچیزی انعطاف داشتند. به طور کلی از سال ۱۳۲ تا ۶۵۶ هجری قمری عصر خلافت عباسیان (محمد سهیل طقوش، ص ۲۷) زنان مهمی پا به عرصه های سیاسی، اقتصادی نهادند البته در ایام حکومت ابوالعباس سفاح و منصور زنان دخالت چندانی در امور کشور نداشتند. اما در دوران مهدی، با ورود همسرش (خیزران) به عرصه های اجتماعی - سیاسی، شرایط ویژه ای در دربار عباسی ایجاد شد و آرام آرام زنان دیگری هم وارد عرصه کشورداری شدند و سررشته امور را به دست گرفتند؛ (مروج الذهب مسعودی، ج ۴، ص ۲۸۲) به گونه ای که خلفا در بسیاری از تصمیمات مهم دخالتی نداشتند؛ خیزران که کنیزی یمانی بود و همسر مهدی و مادر هادی و هارون عباسی شد زبیده دختر عمو و همسر هارون و مادر محمد امین، مراحل مادر مامون، و پوران دختر سهل بن فضل و همسر مامون همگی نقش های مهمی در دولت عباسیان داشتند. (حسن ابراهیم حسن، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۳۴۲) شایان ذکر است هیچکدام از این زنان از بطن جامعه نبودند بلکه وابسته به دربار بودند. بهرحال حضور زنان در صحنه های مختلف سیاسی و اقتصادی از دوران منصور آغاز شد و در دوران هادی و هارون به اوج خود رسید، و از زمان مامون به بعد، رو به افول و ضعف گذاشت. (تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۶۹)

دوره صفویه و مشارکت زنان:

این دوره هم مثل دوره های قبل مشارکت از بطن جامعه مدنی در عرصه های سیاسی و اجتماعی نبود بلکه زنان از پایگاه دربار درخشیده بودند زیرا این زنان از نظر استقلال مالی از طریق املاک، موقوفات شیخ الدین اردبیلی به زنان صاحب نامی مبدل شده بودند. (زرین باف شهر، ۱۳۸۴، ص ۰۹۶) که سبب شد تا زنان ابزار و وسائل لازم را برای شرکت در مسائل و مشکلات اجتماعی - سیاسی و امور شهری به دست بیاورند دوره صفویه را می توان دوران زنان باهوش و سیاستمدار در تاریخ دانست، زیرا آنان ابزار و وسائل لازم برای شرکت در مسائل سیاسی و اجتماعی را به دست آورده بودند. زنان دربار در این دوره با عناوینی همچون همسر، مادر، خواهر شاه و حاکمان، توانستند نقش مؤثری در عرصه های مختلف از جمله استقرار دولت صفویه و مناسبات سیاسی و خارجی ایفا نمایند. (پارسا دوست، ۱۳۸۱، ص ۳۴)

پری خانم، دختر شاه طهماسب صفوی، از زنان سیاستمدار (احمدی، محسن (۱۳۸۳). و فرد باهوشی بود. (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. صص. ۶۲۱-۶۲۲).

او با نفوذ در امرای قزلباش، شاه اسماعیل دوم را به جانشینی شاه طهماسب صفوی انتخاب کرد و سپس سلطان محمد خدابنده را به قدرت رساند و خودش به دست همین سلطان کشته شد. (تکمیل، ۱۳۵۴، ص ۱۹). ملکه خیرالنساء، مادر شاه عباس کبیر و همسر سلطان محمد، نیز از زنان نامدار ایران بودند که فرمان‌دهی قشونی متجاوز از ۱۰۰ هزار نفر سواره و پیاده از قزوین تا شیروان را بر عهده داشت و عثمانیان را از خاک ایران بیرون کرد. (مصفا، ۱۳۷۵، ص ۱۰۵). انتخاب محمد میرزا به پادشاهی که برخلاف اسماعیل دوم، مردی آرام، خوشرو و شوخ طبع بود و از ماجراجویی و کشتار دیگران پرهیز داشت، فرصت را برای دخالت اطرافیان، به ویژه زنان بیشتر مهیا نمود. (ترکمان، ۱۳۵۰، ص ۱۹۷). این نقش آفرینی با نزدیک شدن به اواخر حکومت صفویان کم رنگ تر شد. (ترکمان، ۱۳۵۰، ص ۲۰۰).

مشارکت اجتماعی - سیاسی در دوره قاجار

مشارکت اجتماعی - سیاسی زنان در دوره قاجار نسبت به دوره های قبل پرنشاط تر و پرتحرک تر است و در این دوره یک ساختارشکنی صورت می گیرد که دیگر مثل گذشته زنان دربار فقط نقش پررنگ ندارند، بلکه از بطن و درون جامعه ایران آن زمان حرکت های خود جوش مشاهده می شود. بطور کلی حرکت های اجتماعی زنان در سه پرده قبل از مشروطه، دوره مشروطه و پس از آن بصورت فشرده و گذرا بررسی می شود

الف - مشارکت اجتماعی - سیاسی زنان قبل از نهضت مشروطه

یکی از فعالیت های اجتماعی و سیاسی زنان در این مقطع در خصوص ماجرای گریبایدوف گزارش شده است. (کلمنت مارکام، ۱۳۶۴، ص ۶۶) از جمله مسائل مهم در شکل گیری این حادثه، زنانی بودند که توسط گریبایدوف بر خلاف اراده اشان به سفارت روسیه برده شده بودند (سعید نفیسی، ۱۳۶۴، ص ۱۹۳) به همین دلیل فتوایی که میرزا مسیح داد، مربوط به آزادسازی این زنان بود و با همین بهانه عده ای از زنان برای آزادی زنان مسلمان به درون سفارت روسیه رفتند و به آن حمله کردند، هدف اصلی آنان آزادی زنان در بند بود. همچنین در این مقطع حادثه دوم مسئله جنبش تنباکو بود که پس از تصمیم زنان برای ممانعت از تبعید آیت الله میرزا حسن آشتیانی در خصوص قرارداد توتون و تنباکو (سیرجانی، ۱۳۶۲، ص ۳۸۷) شکل گرفت.

زنان به مسجد شاه رفتند و امام جمعه منصوب شاه را از منبر به پایین کشیدند. وهمچنین به نایب السلطنه حمله بردند و او مجبور به عقب نشینی شد و این خود جوشی و فعالیت تا لغو قرارداد توتون و تنباکو ادامه یافت. (اعظام قدسی، ۱۳۴۲، ص ۴۴) حادثه سوم که زنان نقش پررنگی داشتند، اعتراض مردم، به ویژه بانوان، به کمبود نان بود. کمبود نان، دلایل مختلفی داشت. ناصرالدین شاه به دلیل ناتوانی مامورش آقا کلانتر در مهار شورش و آرام کردند مردم، فرمان داد کلانتر را در همان مکان به دار آویختند و نیز وزیر دارالخلافه اش را از کار برکنار کرد. آن روز، شورش فروکش کرد. (ناصر نجمی، ۱۳۷۰، ص ۱۵۹ روحانیت موضوع را پایان یافته تلقی کردند و از زنان و مردان خواستند تا به غائله خاتمه دهند. (کاساکوفسکی، ۱۳۵۳، ص ۲۴۰) این سه حادثه از مهمترین حوادثی بود که زنان جامعه ایران نقش بسزایی در زمینه اجتماعی- سیاسی داشتند.

ب- مشارکت اجتماعی- سیاسی زنان در دوره نهضت مشروطه

حادثه اول در اواخر سلطنت مظفرالدین شاه رخ داد. بعد از شکست طرح استقراض بانکی از روس و انگلیس کمک های مردمی و نقش زنان در فراهم آوردن پول و تاسیس بانک ملی توسط مردم، این حرکت فداکارانه بانوان در تاریخ دوره قاجار مورد تمجید قرار گرفته است. (عافیت، ۱۳۵۲، ص ۷۰)

حادثه دوم در دوره استبداد صغیر که درگیری نظامی بین مردم و محمدعلی شاه شدت یافت رخ داد و زنان برای مبارزه با استبداد شاه بسیج شدند. برخوردهای مسلحانه سختی بین شاه و مردم روی داد، در موارد ضروری، زنان نیز نقشی مستقیم و فعال داشتند. در این زمینه، نقش زنان تبریز، پررنگ تر و برجسته تر از همه جا بود. (عافیت، ۱۳۵۲، ص ۷۰)

ستارخان از نامه یکی از زنان تبریزی بشدت متأثر شد و فرمان حمله به مقر مستبدان شهر تبریز را صادر کرد و در این حمله، حداقل بیست زن کشته شدند. در برخی "از سنگرهای تبریز زنان با پوشش چادر آن منطقه را کنترل می کردند." (پاولویچ، ۱۳۵۷، ص ۵۵)

ج- مشارکت اجتماعی- سیاسی در حوادث پس از مشروطه

با همت و تلاش مردان و زنان جامعه ایران، سرانجام انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ ش/م ۱۹۰۶ م به پیروزی رسید. محمدعلی شاه تبعید شد و پسرش احمدشاه به جای او نشست، اما نهضت نوپای مشروطه، همچنان به حمایت های مردمی نیاز داشت. زنان، به شکل دیگری این بار به

کمک نهضت نوپای مشروطه آمدند. این تلاشها، حاصل و برآیند قیام عمومی آنان در مساله گریبایدوف و حادثه تنباکو بود و آنان علیرغم آنکه از حق رای و انتخاب شدن برخوردار نشدند، صحنه دفاع از نهضت نوپای مشروطه را ترک نکردند. در جریان نهضت نوپای مشروطه، زنان هیچگاه خواسته‌های صنفی خود را مطرح نکردند، اما پس از پیروزی نهضت نوپای مشروطه، زنان تقاضای تشکلهای اجتماعی - سیاسی از مجلس کردند که مجلس قدرشناسی کرد و تقاضای آنان را به رسمیت شناخت. زنان در اولین اقدامشان برای رفع موانع موجود بر سر راه فعالیت تشکلهای سیاسی بانوان، از نماینده اصفهان، خواستند این مساله را در مجلس مطرح نماید و زمینه را به گونه‌ای فراهم آورد که مجلس مجوز قانونی فعالیت‌های زنان را به تصویب برساند و سرانجام در مجلس اعتنایی به آن نشد. (خسروپناه، ۱۳۸۱، ص ۲۹)

بارها زنان در مخالفت با استعمارگران، به تحریم کالاهای آنان روی آوردند. زنان با درک بالایی، بارها تقاضای تحریم کالاهای خارجی کردند. تحریم کالاهای خارجی از سوی تشکلهای سیاسی - از جمله انجمن مخدرات وطن زنان، هم توصیه می‌شد. این انجمن در پایان یکی از راهپیمایی‌هایش علیه اولتیماتوم روسیه، نامه‌ای به مجلس فرستاد و در آن نوشت: "قشون روس در داخله رحل اقامت انداخته و انگلیس به غیر حق... ما را تهدید می‌کند." این موضع‌گیری که با توصیه به تحریم کالای خارجی به پایان رسید، نشان می‌داد انجمن مخدرات وطن که توسط بانو آغابییگم در اوایل نهضت مشروطه تاسیس شده بود، همچنان به هدفهای اولیه خود پای‌بند است. این هدفها عبارت بودند از: مبارزه با استبداد، مخالفت با وام خارجی، جلوگیری از خرید کالاهای استعمارگران (بدرالملوک بامداد، ۱۳۵۲، ص ۴۸)

د- پیامدهای مشروطه برای زنان

زنان در پاسداشت و سالگرد پیروزی نهضت مشروطه، وقتی از خانه‌های خود بیرون می‌آمدند، پرچم رنگی کوچکی در دست می‌گرفتند. این نماد حاکی از این بود که آنان قصد دارند در اجتماع نقش فعال تری نسبت به قبل از مشروطه، داشته باشند اما متاسفانه حاکمان و به ویژه مردان دوره مشروطه، نقش آنها را صرفاً تا مرحله پیروزی پذیرفتند و پس از آن بیشتر معتقد بودند زنان در خانه باشند تا در اجتماعات. چنین فضایی، زنان را وامی‌داشت کمتر در عرصه اجتماعی - سیاسی حضور پیدا کنند.

مشارکت اجتماعی-سیاسی دوره پهلوی

زنان در دوران پهلوی اول، رضاشاه و پهلوی دوم، محمد رضا شاه به ظاهر موفق به کسب حقوق اجتماعی شدند ولی در باطن براساس اعتقادات دینی مخالف حرکت پروژه‌های تجدد و نوسازی رضاشاه و محمد رضا شاه بودند. چون باید کشف حجاب می کردند تا به حقوق اجتماعی دست یابند. بهرحال رضاه شاه به اتفاق همسر و دخترانش که بدون حجاب بودند در مراسمی شرکت کردند که در ۱۷ دی ۱۳۱۴ آن روز را روز زن نامیدند (زیباکلام، ۱۳۹۸، ۲۳۴)

ملت ایران و به ویژه علمای دینی و روحانیت از این وضعیت نگران شدند و اعتراض خود را به دولت اعلام کردند. ولی زور حاکمیت قوی تر بود. در مورد وضعیت زنان در این دوره، موضوع حجاب سنتی مورد توجه بسیاری بوده است، و رضا شاه چون دنبال ترقی غربی بود پیش از سفر او به ترکیه نیز شروع شده بود. به عنوان نمونه، رضاشاه در سال ۱۳۰۵، شهربانی ایران را موظف کرد که از زنان کشور که مایل به رعایت حجاب سنتی در جای‌های همگانی نبودند، پشتیبانی کند. (زیباکلام، ۱۳۹۸، ص ۲۳۹)

در مدت ۱۶ ساله سلطنت رضا شاه با وجود تحولات اجتماعی، وضعیت سیاسی زنان هم از نظر رسمی و هم به طور عملی تغییر چندانی نیافت. در نبود جامعه مدنی برای زنان، تنها زنان وابسته به دربار و اقمار آن، گاهی چتر حمایت خود را می گشودند و جماعات، سازمان‌ها و انجمن‌های زنانه وابسته را تأسیس می کردند قبل از به رسمیت شناختن فعالیت‌های زنان در اجتماع، زنان با این فکر و فرهنگ بزرگ می شدند در دوران محمدرضا پهلوی خط مشی پیروی از غرب و ایجاد شبه مدرنیسم غربی با شدت بیشتری ادامه یافت، او دنبال رساندن زن در قد و قواره زن غربی مدرن بود تا اینکه لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی به تصویب رسید و برای نخستین بار، از نظر حاکمیت پهلوی زنان حق رأی و نامزدی در انتخابات را به دست آوردند. اولین وکلای زن وفادار به شاهنشاه در مجلس شورای ملی ایران در سال ۱۳۴۱ در انتخابات سراسری رأی آوردند و به مجلس راه یافتند. (Mafinezam, 2008, pp.121)

و سرانجام سازمان زنان ایران با حمایت دربار تشکیل شد. تحقیقات پرشماری نشان می‌دهند که با وجود افزایش باسوادی زنان، نگرش آنان نسبت به نقش سنتی و نیز جایگاه فرودست خود تغییری نکرده بود. (ساناساریان، ۱۳۸۴، صص. ۱۶۱ تا ۱۶۹. پیش از انقلاب سال ۱۳۵۷، ۱۵۰۰ زن در مقام‌های ارشد مدیریتی در سطح کشور، ۲۲ زن در مجلس شورای ملی، ۵ شهردار، و ۳۳٪

کل مشاغل آموزش عالی ایران بر عهده زنان بود. که اکثر آنان وابسته به حزب رستاخیز و دربار بودند.

در غیاب زمینه‌های تحولات ساختاری و با توجه به ماهیت استبدادی حکومت ایران در عصر پهلوی، تغییر در وضعیت زنان را تنها با بهره‌گیری از مفهوم رشد کمی در فقدان توسعه کیفی و عدم امکان کنش مندی حقیقی زنان می‌توان توصیف کرد.

مشارکت اجتماعی-سیاسی زنان در دوره انقلاب اسلامی ایران

در دوره انقلاب اسلامی ایران براساس نصوص دینی و رویکرد رهبر فقید ایران الگوی مشارکتی زنان تدوین و برگرفته از آیات قرآن، تفاسیر آن و سیره پیامبر (ص) اتخاذ شد. برای نمونه می‌توان به آیات ذیل اشاره کرد:

برخی از آیات قرآن که البته در بحث دوره نبوت اشاره مختصری به آنها شد، بیانگر صلاحیت و شایستگی زنان در بهره‌گیری و ایفای نقش در زمینه امور اجتماعی-سیاسی است. مانند آیات مربوط به ملکه سبا می‌باشد که در سوره نمل از آیه ۲۳ تا ۴۴ "إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ... (۲۳)... قِيلَ لَهَا ادْخُلِي... قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۴) مطرح شده است. در این آیات، خداوند از زن مدیر و با درایتی سخن می‌گوید که بر سرزمینی حکومت می‌کند و با دعوت حضرت سلیمان از کیش شرک به دین توحید رو می‌آورد و اسلام را برگزید. و بعد از تبادل پیام‌هایی بین ملکه سبا و حضرت سلیمان همه مطالب بیانگر نگاه مثبت قرآن به نقش و جایگاه ملکه سبا است و نشان می‌دهد که زن از دیدگاه قرآن می‌تواند در بالاترین موقعیت اجتماعی-سیاسی قرار گیرد.

در آیه دیگر مانند آیه دوازده سوره ممتحنه بیعت زنان با پیامبر اکرم (ص) دلیلی بر نگاه مثبت قرآن به مشارکت اجتماعی-سیاسی زنان تلقی می‌شود: "يا ايها النبي اذا جاءك المؤمنات يبایعنك ... و لا يعصينك في معروف فبايعهنّ و استغفر لهنّ الله إنّ الله غفور رحيم) ای پیامبر، هرگاه زنان مؤمن نزد تو آیند که با تو بیعت کنند بر این شرط که چیزی را با خدا شریک ندانند و دزدی و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و دروغی را که در دست و بال خود ساخته و پرداخته باشند پیش نیارند و در هیچ کار پسندیده‌ای نافرمانی نکنند، پس با آنها بیعت کن و برای ایشان از خدا آمرزش بخواه که خدا آمرزنده و مهربان است. در این آیه کریمه خداوند به پیامبر دستور می‌دهد که اگر زنان با ایمان نزد تو برای بیعت و اعلام وفاداری به پیام تو و اطاعت از فرمان تو آمدند، از آنان بیعت بگیر. این آیه به نقش تعیین‌کننده زنان در سرنوشت اجتماعی-سیاسی خود اشاره دارد.

همچنین قرآن کریم بحث نظارت اجتماعی را با تعبیر امر به معروف و نهی از منکر مطرح می کند، و آن را یکی از مسؤولیتهای مهم و اساسی جامعه اسلامی می شمارد: "کنتم خیر أمة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر" آل عمران/۱۱۰ شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید، به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند بازمی دارید. (ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر...) آل عمران، ۱۰۴ و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی باز دارند. با توجه به تأکیدی که قرآن در انجام رسالت نظارت و اصلاح اجتماعی در قالب امر به معروف و نهی از منکر دارد، به شأن و جایگاه و همچنین دامنه فعالیت‌های کنترل و اصلاح اجتماعی به طور کلی و حوزه حکومت و قدرت به طور ویژه پی می بریم. از سوی دیگر قرآن کریم وظیفه کنترل و اصلاح اجتماعی را در تمام حوزه های آن، مسؤولیت همگانی و عمومی مردم می داند و در برخی موارد حتی تصریح دارد که زن و مرد در انجام این رسالت و مسؤولیت، سهم مساوی دارند: (و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر...) توبه/۷۱ و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و امری دارند و از کارهای ناپسند بازمی دارند... بنابراین قرآن در این بخش فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی را حق زن می داند، حتی بالاتر از آن وظیفه و تکلیف او می داند که این رسالت را به دوش بگیرد. همه این موارد و سایر موارد دیگر نشان دهنده الگویی توحیدی و مشارکتی زن در مسائل اجتماعی-سیاسی جامعه خودش است. اما الگویی را که پهلوی اول و دوم برای توسعه و نوسازی ایران انتخاب کرده بودند، الگوی ابتر و ناقصی از فرهنگ و تمدن غرب بود که صرفاً نشانه ای از ظاهرگرایی و سطحی نگری تمدن غرب بود و این طبیعی بود که زنان نیز در این دوره، بخشی از این الگو غربی تلقی می شدند. با این روند مشخص بود الگویی از زن معرفی می گردد که نسبتی با جامعه و زنان ایرانی نداشت، حتی بهره ای هم از تعالیم دین اسلام نبرده بود و نقاط افتراق فراوانی با زن مطلوب الگوی واقعی ایرانی داشت. به همین سبب از همان آغاز، چالشی جدی میان آن و مذهب به وجود آمد. طبیعی بود که این الگو نه عملی بود و نه پذیرفتنی، به همین سبب هیچ گاه به توفیقی فراگیر در سطح جامعه دست نیافت. ولی با انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ همه الگوها بتدریج تغییر یافتند و روح و ماهیت انقلاب الهی و توحیدی براساس سنت و قرآن همه جا را فر گرفت.

ترس از انقلاب اسلامی و در آستانه تغییرات الگوی زن پهلوی اعترافات شاه و خواهر شاه موید تحولات جدید انقلاب اسلامی است. برای مثال خواهر شاه اشرف چند ماه قبل از سقوط رژیم شاه به هنگام بازگشت از اتحاد شوروی، به دلیل مسدود بودن خیابان‌ها به خاطر تظاهرات، ناگزیر به استفاده از هلیکوپتر می‌شود و در مسیر کاخ با مشاهده حضور عظیم زنان تظاهرات کننده، از ته دل افسوس می‌خورد که زنان تمام آزادی‌هایی را که پهلوی‌ها داده بودند، دور افکنده، دوباره چادر سیاه‌های مادر بزرگ‌هایشان را سرکرده‌اند (ویلیام شوکراس، ۱۳۶۹، ص ۲۴۲). همچنین محمدرضا در آخرین مصاحبه‌ی خود در قاهره در پاسخ سؤالی مبنی بر اینکه آیا احساس پشیمانی نمی‌کنید؟ اظهار داشت: «... شاید نمی‌بایست کشور را با این سرعت متجدد و مطابق عصر حاضر نمایم. همچنین نمی‌بایست فرهنگ غربی بسیار تند و زنده را می‌پذیرفتم. ... بعضی از کاباره‌ها و سینماها را تعطیل می‌کردم و ... (عبدالرضا هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۷، ص ۵۰۸).

بهرحال مردمی بودن انقلاب اسلامی مهمترین ویژگی آن بوده است، و چون زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند، انقلاب اسلامی زمینه مشارکت اجتماعی گسترده و مؤثر زنان فراهم نمود. زنان توانستند حضور پررنگی در عرصه اجتماعی و سیاسی پیدا کنند. امام خمینی (ره) رهبرانقلاب با ایجاد رویکردی نو، زمینه‌رهایی حقیقی زنان را به سامان رساند، با پیروزی انقلاب اسلامی، در قانون اساسی جمهوری اسلامی نظام حقوق اجتماعی - سیاسی و فرهنگ مشارکتی، فراهم گشت. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از مکتب تشیع می‌باشد. در سیزده محور به حقوق اجتماعی و سیاسی و فرهنگی زنان اشاره کرده است. (بهرامی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵).

امام خمینی (ره) بعد از پیروزی انقلاب زنان را به عنوان پیشگامان حرکت جدید معرفی کرد و فرمود: " ما نهضت خودمان را مرهون زنها می‌دانیم. مردها به تبع زنها در خیابان‌ها می‌ریختند. تشویق می‌کردند زنها مردان را. خودشان صف‌های جلو بودند. زن یک همچو موجودی است که می‌تواند یک قدرت شیطانی را بشکند."

(صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۹). حادثه روز ۱۷ شهریور در میدان ژاله، با حضور گسترده زنان بود که تعدادی از آنان شهید شدند و این فاجعه نقطه عطف مهمی در تاریخ حضور آنان در عرصه اجتماع و سیاست تلقی می‌شود. (مرتضی مطهری، ۱۳۸۷، ص ۲۱۰)

شرکت زنان با حجاب اسلامی (کدی، ۱۳۶۹، ص ۳۶۵). در تظاهرات، راهپیمایی‌ها و اعتصابات از مهمترین تلاش‌های مشارکتی زنان در دوره انقلاب بود. (حافظیان، ۱۳۸۰، ص ۱۴۶).

از مهمترین مشارکت های اجتماعی-سیاسی دیگر زنان باید به دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اشاره کرد. طبق گزارش های موثق از میان شرکت کنندگان زن در جنگ تعداد ۶ هزار و ۴۲۸ نفر به شهادت رسیدند و جانبازان زن ۵ هزار و ۷۳۵ نفر است. (خبرگزاری صدا و سیما ۱۳۹۵، کد خبر: ۱۲۹۶۷۶۶)

اینک پس از گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی ایران حضور پرشکوه زنان از هر طبقه و قشری در مسائل اجتماعی و فرهنگی کشور، مجلس، شوراهای اسلامی، احزاب سیاسی، تشکلات و سمن های حامی مسائل خانواده و آسیب های اجتماعی آن به شکل فعال و پررنگ و وجود دارد. وهنرما این است که ضمن تقویت این پروژه آن را توسعه داده و به حداقل ها بسنده نکنیم.

نتیجه گیری

در بررسی مشارکت اجتماعی-سیاسی زنان در فرهنگ اسلامی نشان داده شد که فرهنگ اسلامی نسبت به فرهنگ جاهلی در دوره حضور پیامبر(ص) تغییرات کمی و کیفی عمیقی روی داده است. زن به عنوان موجودی با درایت در عرصه های اجتماعی و به قدر ضرورت حضور داشته و با رویکرد معنوی مورد تأیید نظام اجتماعی-سیاسی اسلام قرار گرفته است. و پس از رحلت رسول خدا(ص) و روی کار آمدن دولت های ناشایست اسلامی مسیر انحراف را طی کرد و از آموزه های نبوی فاصله گرفت. در دوره های خلافت بنی امیه و بنی عباس مشارکت زنان کم رنگ و بی رمق میشود و اگر فعالیتی وجود داشته از درون هسته قدرت و زنان حکومتی بوده است. در دوره صفویان هم مثل دوره های قبل مشارکت از بطن جامعه مدنی در عرصه های سیاسی و اجتماعی نبود بلکه زنان از پایگاه دربار درخشیده اند. اما در دوره قاجار بویژه مشروطه زنان با الگو گیری از مذهب تشیع و اعتماد به بخشی از روحانیت دلسوز و غیر درباری، مشارکت گسترده خودشان را به منصفه ظهور می رسانند. و در دوره پهلوی بعلا اینکه الگوی مشارکت اجتماعی-سیاسی زنان کپی برداری و کلیشه ای از فرهنگ و تمدن غرب بود مورد استقبال قرار نگرفت و زنان با شورش علیه امیال و افکار غرب به آغوش اسلام راستین در دوره انقلاب اسلامی برگشتند و انقلاب اسلامی را تنها منجی نجات زن و ارتقای سلامت مقام زن در سطح اجتماع و سیاست دانستند.

منابع:

قرآن کریم

۱. ابن اثیر، علی بن محمد (بی تا)، اسد الغابة في معرفة الصحابة، بی جا: احمد ابراهیم البنا، ج ۵.
۲. احمدی، محسن، (۱۳۸۳)، «پری خان خانم». در موسوی بجنوردی، کاظم. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. ج. ۱۳. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. صص. ۶۲۱-۶۲۲.
۳. آیت الهی، زهرا (۱۳۸۸) گستره ی مشارکت زنان در تاریخ اسلام، فصلنامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، شماره ۲
۴. بدرالملوک بامداد، مشعل داران و پیشتازان آزادی زنان، ج ۲، تهران، زیتون، ۱۳۵۲.
۵. بهرامی، فاطمه، "جایگاه زن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه علمی ترویجی بانوان شیعه، سال ۵، شماره ۱۸، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵.
۶. پارسا دوست، منوچهر، شاه محمد پادشاهی که شاه نبود، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱.
۷. پاولویچ، میخائیل، سه مقاله درباره مشروطه، ترجمه: م. هوشیار، تهران، حبیبی، ۱۳۵۷.
۸. ترکمان، اسکندریگ منشی، عالم آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، ج ۱، تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۰.
۹. تکمیل همایون، «بررسی موقع و منزلت زن در تاریخ ایران»، مجله فرهنگ و زندگی، ش ۱۹ و ۲۰ (پاییز و زمستان)، ۱۳۵۴، ص ۱۹.
۱۰. جلالی کندی، سهیلا (۱۳۸۲) حضور نظامی زنان در عصر اسلام، فصلنامه علوم انسانی، سال سیزدهم، شماره ۴۶.
۱۱. حافظیان، محمدحسین، زنان انقلاب، داستان ناگفته، تهران: اندیشه برتر، ۱۳۸۰.
۱۲. حسن ابراهیم، حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۳، تهران: بدرقه جاویدان، ۱۳۸۰.
۱۳. حسینی، موسی، (۱۳۸۰) دیدگاه قرآن درباره ی مشارکت سیاسی زنان،
۱۴. خاکسار، علی، مجموعه مقالات کارگاه آموزشی توسعه ی مشارکت زنان، تهران: دانشگاه علامه، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۵. خسروپناه، محمدحسین، هدفها و مبارزه زن ایرانی، تهران، پیام امروز، ۱۳۸۱.
۱۶. خمینی، روح اله، صحیفه امام خمینی، ج ۷، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹.
۱۷. زرین باف شهر، فریبا، ۱۳۸۴، فعالیت های اقتصادی زنان در زیارتگاه شهر اردبیل، فصلنامه علمی - تخصصی نامه تاریخ پژوهان، سال یکم، شماره سوم، پائیز، ص ۹۶.
۱۸. زیباکلام، صادق، رضاشاه، تهران: روزنه، ۱۳۹۸،
۱۹. ساناساریان، الیز، طغیان افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۱۳۵۷، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: نشر اختران، ۱۳۸۴.
۲۰. سیرجانی، سعید، وقایع اتفاقیه، تهران: نوین، ۱۳۶۲.

۲۱. شریفی، علی، (۱۳۹۴)، مبانی قرآنی جواز مشارکت سیاسی زنان در انقلاب اسلامی، فصلنامه پژوهشهای انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره چهاردهم، صفحات ۱۰۸-۸۷.
۲۲. شوکراس، ویلیام، آخرین سفر شاه، ترجمه‌ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، البرز، ۱۳۶۹.
۲۳. طالب زاده، مهدی. مدیریت روستائی در ایران، تهران: انتشارات سمت. ۱۳۷۵.
۲۴. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲ لبنان: بیروت. بی نا.
۲۵. طقوش، محمدسهیل، دولت عباسیان، ترجمه حجت الله جودکی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
۲۶. عافیت، محمدرضا، سردار ملی ستارخان. تبریز، اندیشه، ۱۳۵۲.
۲۷. غروی نایینی، نهله، (۱۳۸۸)، مشارکت سیاسی زنان در صدر اسلام، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۶.
۲۸. فصلنامه پژوهشهای قرآنی، شماره ۲۶-۲۵، صفحات ۱۸۱-۱۷۰.
۲۹. کاساکوفسکی، کلنل، خاطرات کلنل کاساکوفسکی، ترجمه: عباس قلی جلی، تهران، سیمرغ، ۱۳۵۳.
۳۰. کدی، نیکی، ریشه های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، قلم، ۱۳۶۹.
۳۱. مارکام، کلمنت، تاریخ ایران در دوره قاجار، ترجمه: میرزاحیم فرزانه، تهران: فرهنگ ایران، ۱۳۶۴.
۳۲. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۴، بیروت: ۱۹۶۵.
۳۳. مصفا، نسرین، مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.
۳۴. مطهری، مرتضی، آینده انقلاب اسلامی ایران، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۸۷.
۳۵. ملک زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، جلد ۶، تهران: ابن سینا، ۱۳۵۱.
۳۶. نجمی، ناصر، طهران عهد ناصری، تهران: عطار، ۱۳۷۰.
۳۷. نصیری، حلیمه، (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی برخی از مسایل زنان در اسلام، مسیحیت و یهودیت، دوفصلنامه علمی-تخصصی مطالعات پژوهشی زنان، دوره دوم، شماره سوم، صفحات ۶۲-۳۹.
۳۸. نفیسی، سعید، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، ج ۲، تهران: بنیاد، ۱۳۶۴.
۳۹. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، صحنه‌هایی از تاریخ معاصر ایران (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۷.
۴۰. واعظی، محمد جواد؛ جباری محمدرضا، (۱۳۸۹)، نگاه تاریخی به وضعیت زن در اسلام، دوفصلنامه تاریخ اسلام، سال هفتم، شماره دوم.